

*یکی تیر الماس پیکان^۱ چو آب نهاده بر او^۲ چارپَر عقاب^۳

۱- تیری که نوک آن مانند الماس تیز و بُرنده باشد، ۲- = آن (تشخیص ندارد)، ۳- برای اینکه تیر در مسیر مستقیم حرکت کند، چهار پر عقاب به آن می‌بسته‌اند.

* به شست^۱ اندر آورده تیر خدنگ^۲

۱- وسیله‌ای فلزی که روی انگشت شست قرار می‌گرفته، ۲- درختی با چوب محکم و مقاوم
* با دندان آن به که کم‌گیری ستیز: بهتر است با حیوانات وحشی (فرومایگان) کمتر درگیر شوی (نباید با آنها بجنگی)

* هر که با پولاد بازو^۱ پنجه کرد^۲ ساعد^۳ مسکین^۴ خود را رنجه کرد^۵

۱- قدرتمند، ۲- جنگید، ۳- از مَج دست تا آرنج (مجازاً تمام بدن)، ۴- بدبخت، ۵- به زحمت انداخت

* باش تا دستش ببندد^۱ روزگار پس به کام دوستان^۲، مغزش بر آر^۳

۱- او را ناتوان سازد (کنایه)، ۲- مطابق میلِ دوستان، ۳- **کنایه** از نابود کردن